

اولف اکمن



ابطال کارهای
ابلیس

پیشگفتار

این کتاب به علت آمدن عیسا بر روی زمین خواهد پرداخت. ما قصد داریم به این سئوالات پاسخ دهیم: چه هدفی در پس آمدن عیسی نهفته بود؟ او دقیقاً چه کاری انجام داد و ما چگونه می‌توانیم آن را امروزه از آن خود سازیم؟

وقتی از کلام خدا صحبت به میان می‌آید، انتظار می‌رود خدا همان موقع کاری را انجام دهد. او همواره در این دوره کلامش را برای انجام کاری گسیل می‌دارد. همان طور که کتاب مقدس می‌گوید: «امروز روز نجات است» (۲ قرن‌تیان ۶: ۲) و انجیل که کلام خداست قدرت نجات بخش او می‌باشد. می‌دانیم واژه ی «نجات» به معنی «تولد تازه» است ولی مفاهیم رهایی، شفا، محافظت و زندگی آزادانه در روح‌القدس را نیز در بر دارد. زمانی که خدا شما را نجات می‌دهد در واقع حیات خود را از طریق کلمه‌اش به شما می‌بخشد و این کلمه چیزی جز عیسا مسیح نیست.

وقتی به واسطه ی تولد دوباره، حیات تازه را می‌یابید عضوی از خانواده ی الهی و شریک امتیازات الهی و وعده‌های عهد تازه می‌گردید و طبیعت و حیات خود خدا را دریافت می‌کنید. سپس شروع به تجربه ی آن مواردی می‌نمایید که این حیات تازه دربردارد: رهایی از پریشانی، شفای فکری و جسمی، آزادی و محافظت. آنچه خدا در نجات به شما می‌بخشد این است.

پیام نجات پیام شادی است نه غم و اندوه. همچنین اعلان دوره ی التفات خداوند است. پیغام انجیل شما را آزاد خواهد ساخت. شخصیت

شما قادر به آزاد کردن شما نیست ، بلکه کلام خداست که می تواند شما را آزاد نماید. واعظین متبحر نیز نمی توانند شما را آزاد کنند، اما کلام خدا این کار را انجام می دهد. با احساسات پرشور هم نمی توان آزاد گشت چون فقط کلام خدا قادر به انجام چنین عملی است. کلام خدا یا همان انجیل، قدرت نجات بخش خداست.

انجیل در کل در رابطه با عیسا مسیح است. در ۱ یوحنا ۳: ۸ متوجه می گردیم که چرا عیسا بر زمین آمده و خود را آشکار نمود. آیا علتش این بود که بتواند نشان دهد کیست؟ یا می خواست نشان دهد یک شخص خوب چگونه باید زندگی کند؟ آیا علتش این بود که ما بتوانیم بخشش گناهانمان را دریافت نماییم؟ یا بتوانیم کتاب عهد جدید را داشته باشیم؟ آیا آمد تا فقط یک نمونه ی خوب از رفتار درست و اخلاقی به ما ارائه دهد؟ هدف او دقیقاً چه بود؟

این ها سوالاتی هستند که ما تلاش می کنیم به آنها جواب دهیم.

اولف اکمن

ابطال کارهای ابلیس

«آن که گناه می‌کند از ابلیس است، زیرا ابلیس از همان آغاز گناه کرده و می‌کند. از همین رو پسر خدا ظهور کرد تا کارهای ابلیس را باطل سازد.» (۱ یوحنا ۳: ۸)

عیسا برای انجام یک کار به زمین آمد و آن ابطال کارهای ابلیس بود.

یک شروع بد

کتاب مقدس به وضوح به ما می‌گوید که انسانی که به شباهت خدا آفریده شده و در مشارکت با او گام بر می‌داشت در گناه سقوط کرد. با انجام این عمل، جهان را به دستان ابلیس نمود که بعدها رئیس این جهان گشت. در نتیجه اگرچه او به شباهت حضرت اعلی خلق شده بود و بر تمام مخلوقات حکمرانی می‌کرد، اما اقتدار خود را از دست داد. انسانیت باطنی او مرد. بند ناف روحانی مشارکت ناگسستنی با خدا بریده شد و او بدون حیات رها شد. تاریکی به درون روح او رسوخ نمود و از نظر روحانی درست همان گونه که خدا گفته بود، مرد: «اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد.» (پیدایش ۲: ۱۷) کلمه ی «مردن» در زبان عبری حالت جمع دارد یعنی انسان می‌تواند بیش از یک بار بمیرد. اول از نظر روحانی می‌میرد و بعد به تدریج دچار مرگ جسمانی می‌شود، یعنی بیماری و ضعف وارد جسم و ذهنش گشته و منجر به مرگ جسمانی و در نهایت مرگ ابدی می‌گردد.

عبرانیان ۲: ۱۴، ۱۵ و ۱ یوحنا ۳: ۸ تقریباً به یک نکته اشاره می‌کنند: از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او (عیسا) نیز در اینها

سهیم شد تا با مرگ خود، صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد. و آنان را که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده‌اند، آزاد سازد.

ترس از خدا

زمانی که انسان در گناه سقوط کرد ترس از مرگ بلافاصله به سراغ او آمد، این موضوع زمانی مشخص شد، که او صدای نزدیک شدن خدا را در باغ شنید و دریافت که عریان و تنهاست و در زندگیش چیزی را گم کرده است. از این رو فرار کرد و خود را مخفی نمود و سعی کرد عریانی خود را با برگ‌های انجیر بپوشاند. او تلاش کرد با اعمالش خود را دوباره عادل و مقبول نماید و این همان مسئله‌ای بود که خدا نمی‌توانست بپذیرد.

آدم به خدا گفت وقتی صدای آمدن او را شنید ترسید و به همین دلیل فرار کرد و خود را مخفی نمود. ترسی که آن روز وجود او را فرا گرفته بود تا امروز بر بشریت تسلط دارد؛ انسان در بندگی ترس از مرگ به سر می‌برد. شخصی که تولد دوباره ندارد از مرگ می‌هراسد. شاید آن را انکار نماید یا بگوید همه چیز خوب است، اما با این همه از مرگ می‌ترسد. البته ممکن است آنها از خود مرگ نترسند اما از آنچه پس از مرگ احتمال وقوعش است می‌هراسند.

عیسا مسیح آمد تا قدرت مرگ را در هم بشکند. او آمد تا کسانی را که تمام عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده‌اند، رها سازد.

غلامان ابلیس

عیسا مسیح آمد تا بر شیطان غالب آید و سلاح‌هایش را بردارد تا او دیگر نتواند بر بشریت حکمرانی کند یا تسلط یابد و بوسیله ی ترس از مرگ او را به اسارت کشد.

آن وقتی که انسان در گناه سقوط کرد نه تنها از نظر روحانی مرد بلکه توسط ابلیس اسیر شد، انسان برده ی رییس این جهان شده بود. شیطان میثاق و عهد بسته شده بین انسان و خدا را شکست و حکمرانی انسان بر تمام خلقت را از او ربود.

اگرچه او به شباهت خدا آفریده شد تا حکومت کند و با خدا راه رود، اما تبدیل به غلامی بی‌مقدار در دستان شخصیتی گشت که می‌دزدد، می‌کشد و خلقت خدا را تباہ می‌کند. انسان به وضعیت فقر و مرگ روحانی رسید و مستعد اختلالات و بیماریها گشت که طریق خود را در زندگی او تحمیل می‌نمودند.

پیش از آن هیچ اثری از بیماری در انسان دیده نمی‌شد، اما بعد از سقوط مصیبت‌های متعددی از جمله بیماری، تنفر و مشاجره خود را نمایان ساختند، انسان در نسل اول از خدا ترسید و در نسل دوم برادر خود را کشت. ذات ابلیس به نسل بشری رسوخ کرده بود. اما خدا نیز طریق رهایی را مهیا نموده بود. اگرچه انسان همه چیز را از دست داده بود اما امکان آزادی برایش وجود داشت. او می‌توانست وضعیت صحیح مشارکت با خدا و حکمرانی بر تمامی خلقت را باز یابد.

عهد خدا

خدا با ابراهیم عهدی بست تا بشریت را از بردگی آزاد نماید. وقتی خدا ابراهیم را یافت متوجه شد که او مردیست که به او ایمان دارد و می‌خواهد پسرش اسحاق را تقدیمش کند. بدین ترتیب خدا قانوناً حق داشت که پسرش عیسا را که از ذریت ابراهیم بود بدهد. و او برای تمام نسل‌ها و تمام بشریت هدیه شد.

بعلاوه برکت ابراهیم از طریق عیسا مسیح به انتها رسید. اکنون ما نیز می‌توانیم وعده ی روح و حیاتی را که او تقدیم می‌کند بدست آوریم. (غلاطیان ۳: ۱۳، ۱۴ را ببینید)

سپس عیسا آمد!

خدا عهد قدیمی را شکل داد تا طریقی برای بازگشت انسان سقوط کرده فراهم سازد. وقتی همه چیز مهیا گشت، عیسا مسیح آمد. او توسط روح‌القدس از مریم باکره بر روی زمین متولد گشت. عبرانیان ۲: ۱۴، ۱۵ به ما می‌گوید که چون فرزندان (نسل بشر) شریک جسم و خون هستند، عیسا نیز در آنها شریک شد. به عبارتی اگرچه پدر او آسمانی بود اما دارای مادری زمینی بود. او انسان بود اما با ناطاعتی، گناه و سرکشی بشریت آلوده نگشته بود. او آزاد از تمام این گناهان می‌توانست در مشارکت با خدا گام بردارد.

حال بیایید به کار عیسا زمانی که بر روی زمین بود نگاهی بیندازیم. گاهی تصور می‌کنیم که او فقط به این دلیل آمد تا به ما نشان دهد پسر

خداست، در حالی که این تنها بخشی از حقیقت است. او به راستی پسر خدا بود. صددرصد خدا و صددرصد انسان بود.

هیچ کس نمی‌تواند این موضوع را درک کند و البته لازم به درک آن هم نیست. فقط می‌توان آن را به عنوان یک حقیقت بیان کرد. همان گونه که می‌توانید سوار قطار شوید بدون اینکه نحوه ی کار آن را بدانید، می‌توانید عیسا را بپذیرید بدون اینکه او را بطور کامل درک نمایید. شاید عده‌ای بگویند نمی‌توان آنچه را قابل درک نیست پذیرفت، در حالی که این کاریست که هر روزه صورت می‌گیرد. احتمالاً شما خیلی کم درباره ی نحوه ی کار الکتریسیته یا حرکت ماشین خود می‌دانید، اما با این وجود روزانه از آنها استفاده می‌کنید.

باید چنین نگرشی را در مورد عیسا مسیح هم داشته باشید. چون خدا حقیقتاً خداست، پس موارد خاصی در ارتباط با او موجود است که به سادگی قابل درک نیست. با این همه، او خود را به اندازه کافی توسط عیسا برای ما آشکار می‌نماید تا با وجود موارد غیر قابل درک بتوانیم او را بپذیریم و حیات جاودان را تحصیل نماییم.

او آمد تا خدمت کند!

عیسا وقتی بر روی زمین گام بر می‌داشت نشان داد که خداست. او همچنین اصطلاحی را به خود نسبت داد که امروزه برای ما مفید است. او خود را پسر انسان نامید. «پسر انسان نیز نیامد تا خدمت‌ش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جان‌ش را چون بهای رهایی به عوض بسیاری بدهد.» (مرقس ۱۰: ۴۵)

منظور عیسا از این که خود را پسر انسان می‌نامد چیست؟
یعنی او کاملاً انسان است. و چون انسان است می‌تواند نشان دهد که
یک انسان واقعاً چیست و دعوت انجام چه کاری را دارد. بنابراین عیسا
الگوی ماست.

مکاشفه ۱: ۵ به ما می‌گوید که او نخست زاده از مردگان است. او
نخست زاده در کلیسا و نخست زاده در میان کسانی است که تولدی
دوباره یافته‌اند. او برادر بزرگتر ما و ما خواهران و برادران او هستیم. او از
طریق زندگیش بر روی زمین به ما نشان داده است که یک انسان واقعی
شبيه چیست.

شاید عده‌ای بگویند: «خوب، البته عیسا معجزاتی انجام داد چون او
پسر خدا بود.» اما او معجزات را بر اساس این واقعیت که پسر خداست
انجام نداد، بلکه بر این اساس پسر انسان است!

چه تبادلی!

عیسا از خدا تولد یافته بود، اما خدمت زمینی خود را تا زمان
سی‌سالگی و تا وقتی در روح‌القدس تعمید یافت، آغاز نکرد. گفتگویی را
تصور نمایید که در آسمان صورت گرفت وقتی خدا پرسید: «چه کسی را
باید بفرستیم؟ چه کسی خواهد رفت؟ چه کسی این نسل را آزاد خواهد
ساخت؟» و عیسا جواب داد: «من خواهم رفت! اینک من خود می‌آیم، تا
اراده ی تو را ای خدا به جای آورم که در طومار کتاب درباره‌ام نوشته
شده است. (عبرانیان ۱۰: ۷) او جلالش را به کناری گذاشت و عظمتش را

رها نمود! (فیلیپیان ۲: ۵-۸ ببینید) او تمام آنچه را که در آسمان حق او بود ترک نمود.

کار عیسا باورنکردنی است. ما هرگز قادر نخواهیم بود این حقیقت را بطور کامل درک نماییم که او دولتمند و پر از تمامی علم، قدرت، و جلال بود؛ کسی که مالک تمامی آسمان و خود دارای الوهیت ازلی بود، بتواند جلالش را نادیده بگیرد. مطابق کتاب مقدس او دولت خود را تبدیل به فقر کرد تا ما بتوانیم دولتمند شویم.

خدا از شما می‌خواهد تا در جلال او دولتمند شوید نه تنها در آسمان برای تمام ابدیت، بلکه حتا هنگامی که در این جا بر روی زمین هستید. این همان نکته‌ایست که عیسا در یوحنا ۱۷: ۵-۲۲ می‌گوید. او باید به آسمان باز می‌گشت و دوباره آن جلالی را که با آمدن به زمین پشت سرخود رها کرده بود، باز می‌یافت. او سپس این جلال را به شاگردانش داد.

او از آسمان به زمین آمد و خود را به شکل غلامی ظاهر ساخت، اگرچه پسر خدا بود. او از هر لحاظ و در انجام هر کاری انسان بود بدون هیچ نشانه و اعجازی، تا وقتی با روح القدس پرشد.

قدرت برای خدمت

وقتی عیسا وارد رود اردن شد، روح‌القدس مانند کبوتری بر او قرار گرفت و از آن زمان به بعد به قدرت برای خدمت خود ملبس گشت. اکنون آماده بود تا کاری را که پدر از او خواسته بود انجام دهد یعنی ابطال کارهای ابلیس.

ابلیس به همین دلیل وقتی عیسا در روح القدس تعمید گرفت، چنین خشمگین شد و وقتی شما نیز با روح پر می‌شوید همین واکنش را نشان می‌دهد. شما فکر می‌کردید زندگی پر جلال و عجیب و غریب می‌شود، اما به گونه‌ی دیگری در می‌آید. ناگهان هر کسی نسبت به شما عصبانی می‌شود و علتی برای آن پیدا نمی‌کنید. ابلیس عصبانی است، او از مرگ می‌ترسد، چون شما در مقام یک مسیحی کار آمد گشته‌اید و سلطنت او به لرزه درآمده است.

برای سلطنت ابلیس هیچ چیز به اندازه یک مسیحی پراز روح که مملو از شناخت خداست خطرناک نیست. کسی که می‌داند کیست، دارای چیست و کسی که براساس این شناخت عمل می‌کند. برای ابلیس هیچ کس وحشتناک‌تر از این گونه اشخاص نیست. هیچ انسان دیگری نمی‌تواند در چنین پیروزی زندگی نماید. خدا از شما انتظار دارد این گونه باشید.

مسیح برای خدمت

عیسا پس از پری روح القدس برای شروع خدمت آماده گشت. او به نسل بشر نشان می‌دهد که خلقت تازه در عمل به وسیله قدرت خدا ممکن است. او از روح القدس تولد یافت، با روح القدس پر شد، در روح القدس تعمید گرفت و به سلاح‌های خدادادی مجهز گشت.

عیسا گفت: «من نمی‌توانم هیچ کاری جز آنچه پدر از من می‌خواهد انجام دهم. من کارها و اراده پدر را به جا می‌آورم. من خود را تسلیم پدر

می‌نمایم.» (یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰؛ ۸: ۲۸ را ببینید) او نسبت به ماهیت و دارایی خود آگاهی داشت.

عیسا تمام عطایای روح را در عمل انجام داد به جز صحبت به زبانهای دیگر و ترجمه زبانها. او از کلمات علم و حکمت استفاده کرد. عطای شفا از طریق او جاری شد و کارهای عظیمی انجام داد. آنچه را که در ذهن فریسیان می‌گذشت می‌دانست. روح‌ها را تمیز می‌داد و دیوها را اخراج می‌کرد. همه جا می‌گشت و کارهای نیکو می‌کرد و همه آنان را که زیر ستم ابلیس بودند، شفا می‌داد، از آن رو که خدا با او بود. (اعمال ۱۰: ۳۸) شرط انجام تمام این کارها این بود که او توسط روح‌القدس مسح می‌شد.

اگر عیسا که پسر خدا بود، به مسح روح‌القدس جهت انجام خدمتش نیازمند بود، چقدر بیشتر ما به مسح روح‌القدس احتیاج داریم تا آنچه را که خدا از ما خواسته انجام دهیم، به کمال برسانیم؟ وقتی خدا عیسا را مسح نمود، توانست از طریق او خود را آشکار سازد. از یک لحاظ عیسا نبی عهد عتیق بود و مانند سایرین تحت عهد قدیمی زندگی می‌کرد، اما تنها کسی بود که تاکنون از خدا متولد شده است. او تنها کسی بود که دارای نور بود. یوحنا: ۵ می‌گوید که نور در تاریکی درخشید و تاریکی آن را در نیافت.

جنگ در مقابل افراطی گری مذهبی

هر وقت ابلیس به طور واقعی می‌ترسد اشخاص مذهبی را جلو می‌فرستد. همیشه این گونه بوده، پس نباید برای ما جای تعجب داشته

باشد. در مورد عیسا او فریسیان، صدوقیان، هیرودیان و خادمین هیکل را فرستاد.

هر کاری عیسا می‌کرد، آنها با او مخالفت می‌کردند. سبت، یک روز عالی برای انجام اعمال نیکو بود بدین ترتیب عیسی همه جا می‌گشت تا کارهای نیکو انجام دهد و بیماران را شفا بخشد.

روزی عیسا به مردی که دستش خشک شده بود، گفت: «دستت را دراز کن». آن مرد شفا یافت اما واکنش اشخاص مذهبی این بود که: «نباید چنین کارهایی از در روز سبت انجام دهی.» امروزه در اغلب کلیساها نیز ممکن است چنین واکنشی دیده شود: «ما در اینجا چنین کارهایی نمی‌کنیم. در اینجا بیماران را شفا نمی‌دهیم. در گذشته هرگز چنین کارهایی انجام نداده‌ایم و قصد نداریم تغییری در رویه خود بدهیم! بعضی مردم وقتی می‌بینید روح او جریان می‌یابد، در مقابل خدا جبهه گرفته و مقاومت نشان می‌دهند. دژها و خیالات واهی در مقابل شناخت خدا می‌ایستند و سعی می‌کنند تا جریان روح او را که باعث آزادی مردم می‌شود متوقف کنند.

برای شاگردان عیسا نیز موقعیت راحت تر نبود. آنها نیز خود را در همین وضعیت دیدند. پطرس به مرد لنگی که کنار دروازه نشسته بود، گفت... «آنچه دارم به تو می‌دهم ... برخیز و راه برو» (اعمال ۳: ۶) و مردی که مدتی طولانی آنجا می‌نشست برخاسته و شروع به راه رفتن، پریدن و حمد خدا نمود.

فریسیان درست همان طور که با عیسی برخورد کردند در مقابل شاگردان نیز واکنش نشان دادند و گفتند: «با این دو چه کنیم؟ زیرا همه

ساکنان اورشلیم می‌دانند که معجزه‌ای آشکار به دست ایشان انجام شده است و نمی‌توانیم منکر آن شویم. ولی تا بیش از این در میان قوم شیوع نیابد، باید به این مردان اخطار کنیم که دیگر با احدی بدین نام سخن نگویند.» (اعمال ۴: ۱۶-۱۸)

رهبران مذهبی شاگردان را حاضر ساخته و خواستند بدانند که به چه قدرت و به چه نامی این شفا را انجام داده‌اند. پطرس جواب داد: «مادر نام عیسی، نامی که فوق از جمیع نام‌هاست این عمل را انجام دادیم.» آن مرد قوت را یافت نه به خاطر تقدس یا مراسم مذهبی شاگردان، بلکه به خاطر نام عیسا و ایمان به آن. رهبران در نهایت بهانه‌ای نیافتند که بتوانند شاگردان را تنبیه کنند، به همین دلیل آنها را تهدید نموده و دستور دادند که دیگر در نام عیسا صحبت نکنند.

شاگردان همان افراطی‌گری مذهبی را که در مورد عیسی اعمال شد، تجربه نمودند و این افراطی‌گری در تلاشی که برای کشتن حیات در آنها می‌نمود ناکام مانده و تسلیم گشت. تاریکی هیچ قدرتی بر شاگردان یا عیسا مسیح نداشت.

عیسا گفت: «تا وقتی روز است باید کار کند. شب نزدیک می‌شود، که در آن کسی نمی‌تواند کار کند.» (یوحنا ۹: ۴) منظور او از شب نزدیک می‌شود چه بود؟ او تا اندازه‌ای به آن شبی اشاره می‌کرد که خود باید رنج می‌کشید.

هر دو گروه فریسیان و هیرودیان تصمیم گرفتند او را از میان بردارند. آنها سعی کردند با همدیگر اتهامی دروغین به او نسبت دهند، اما حتی شهادتهای آنها هم متناقض بود.

کاهنان بهت زده

آنها از عیسا پرسیدند که با چه قدرتی اعمالش را انجام می دهد و او با پرسیدن سؤالی به آنها جواب داد که آیا تعمیر یحیی از آسمان بود یا از انسان. عیسا به آنها گفت اگر بتوانند جواب او را بدهند او نیز جواب ایشان را خواهد داد. کاهنان می دانستند که مردم به نبی بودن یحیی اعتقاد داشتند، بنابراین گفتند: «نمی دانیم». و عیسا جواب داد: «من نیز به شما نمی گویم به چه قدرت این کارها را می کنم، و به راه خود ادامه داد.»

او می دانست در قلب انسان چه می گذرد. هیچ کس نمی توانست به او آسیب رساند یا بر او غلبه نماید. ابلیس نمی توانست به عیسا صدمه بزند، چون او همواره در پیروزی گام بر می داشت. تاریکی هیچ قدرتی در مقابل نور ندارد.

این موضوع در زندگی شما نیز صدق می کند. ۱ یوحنا ۵: ۱۸ می گوید که دست آن شرور به شما نمی رسد. ابلیس می تواند به شما حمله کند و به طور وسیع در مقابل شما قرار بگیرد، اما قادر نیست به شما آسیب برساند. لوقا ۱۰: ۱۹ می گوید: «اینک شما را اقتدار می بخشم که ماران و عقربها و تمامی قدرت دشمن را پایمال کنید و هیچ چیز به شما آسیب نخواهد رسانید.»

اگر در روح رفتار نمایید و اولویت زندگی تان را به عیسا مسیح بدهید، در می یابید که چه کسی هستید، دارایی شما در عیسا مسیح چیست و در نام او چه اقتداری دارید. در محافظت عالی خدا گام

برخواهید داشت! اگرچه از جانب ابلیس حملاتی بر شما می‌شود اما با سلاح‌هایی که خدا به شما داده در هر موقعیتی پیروزی را خواهید یافت.

سربازان مغلوب

زمان خیانت یهودا به عیسا رسید. شاید بگویید: «بدین ترتیب ابلیس به عیسا آسیب رسانید.»

خیر، ابلیس به هیچ وجه به او آسیب نرسانید. سربازان و خدمت‌گزاران به شکلی در مقابل او ظاهر شدند گویی در مقابل یک دزد قرار گرفته‌اند.

عیسا به آنها گفت که هر روز در کنیسه ایستاده و تعلیم می‌داد، اما آنها می‌ترسیدند و جرأت نمی‌کردند جلو بیایند.

چرا او را زودتر دستگیر نکردند؟

چون نمی‌توانستند. در آن وقت عیسا از آنان پرسید: «که را می‌جویید؟»

و آنها جواب دادند: «عیسای ناصری را.»

عیسا گفت: «من هستم» و آنها به خاطر جلال خدا به زمین افتادند و نمی‌توانستند در مقابل جلالی که عیسا را در موقع ایستادن فرا گرفته بود مقاومت کنند. کتاب مقدس می‌گوید قبل از این که عیسا با آنها برود، سه بار به زمین افتادند. عیسا پس از تجربه‌ی جتسیمانی دانست قرار است چه اتفاقی برایش بیفتد. او خود زندگیش را داد. هیچ کس نمی‌توانست آن را از او بگیرد.

پیلطس با این سؤال سعی کرد به او هشدار دهد: «آیا نمی‌دانی قدرت دارم آزادت کنم و قدرت دارم بر صلیبت کشم؟» (یوحنا ۱۹: ۱۰) و عیسا به او جواب می‌دهد که هیچ قدرتی نمی‌داشت در صورتیکه به او داده نمی‌شد.

او با اراده ی آزاد خود زندگیش را برای بشریت داد! این نکته که او بطور کامل شرایطش را در کنترل داشت، به ما نشان می‌دهد کسی که خلقت تازه دارد، دعوت می‌شود تا مانند آدم (پیش از سقوط) تسلط داشته باشد.

خدا او را گناه ساخت

عیسا زندگی خود را بر صلیب داد. کتاب مقدس به وضوح در اشعیا ۵۳: ۴، ۵ می‌گوید که او به خاطر تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان، مریضی و غم‌های ما کوبیده شد. ۲ قرن‌تیاں ۵: ۲۱ بیان می‌کند که خدا او را به خاطر ما گناه ساخت چون هر که به دار آویخته شود ملعون است (غلاطیان ۳: ۱۳).

او تمام گناه بشریت را بر خود گرفت، هر گناهی که در گذشته صورت گرفته و همچنین هر گناهی که در آینده انجام خواهد شد. آن لحظه که عیسا مسیح گناهان ما را متحمل شد، تک‌تک گناهانی که بشریت مرتکب شده بود به حساب آمد. او لعنت شد تا ما بتوانیم برکت بیابیم. او فقیر شد تا ما بتوانیم دولتمند گردیم. (۲ قرن‌تیاں ۸: ۹) او بیماری ما را گرفت تا بتوانیم شفا یابیم. او مرد تا بتوانیم دارای حیات باشیم.

ابلیس دارای آگاهی مطلق نیست

ابلیس فکر می‌کرد که در نهایت عیسا در دستان اوست و بالاخره موفق شده تا نوری را که این چنین نیکو به اطراف نور می‌داد خاموش کند. عیسا اشخاص بیمار را شفا می‌داد و پیوسته ملکوت ابلیس را خراب و تضعیف می‌نمود. زمانی که عیسا تعدادی دیو را اخراج نمود آنها فریاد برآوردند: «تو را با ما چه کار است، ای پسر خدا؟ آیا آمده‌ای تا پیش از وقت مقرر عذابمان دهی؟» (متی ۸: ۲۹) این نکته بر این دلالت دارد که روح‌های شریر می‌دانستند زمان داوری فرا می‌رسد، اما انتظار نداشتند زود فرا برسد یا این چنین مؤثر باشد.

به خاطر داشته باشید که ابلیس همه چیز را نمی‌داند. اغلب به نظر می‌رسد که ما چنین تصور می‌کنیم که او بیش از خدا می‌داند، اما او تا این اندازه آگاه نیست. او عالم مطلق نیست. ما روح خدا را داریم و بیش از ابلیس می‌دانیم. ما روحی را یافته‌ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم (۱ قرن‌تیاں ۲: ۱۲).

ما در موقعیت برتر قرار داریم. هیچ کس از غیر از روح القدس نمی‌تواند روح بشری را درک کند، چرا که روح همه چیز را می‌داند.

دروغ اسلحه ابلیس است

ابلیس قادر به درک شما نیست. اگر بار دیگر متولد شوید آنچه را که در وجود شما می‌گذرد نخواهد دانست. او نمی‌تواند افکار شما را بخواند. افکاری را که وارد ذهن شما می‌کند و منتظر می‌شود تا ببیند از دهان شما چه بیرون می‌آید. او به آرامی نجوا می‌کند: آیا متوجه شده‌ای که

پشتت درد می‌کند؟ و اگر بپذیرید که کمردرد دارید او فریاد می‌کشد: عمل کرد! سپس او به حمله با تیرهای آتشین به سوی شما ادامه می‌دهد تا ببیند بعد چه خواهید گفت.

با این وجود اگر اسلحه کامل خدا یعنی زره پارسایی، کلاهخود نجات، سپر ایمان، شمشیر روح، کمر بند حقیقت را پوشیده و کفش‌های آمادگی برای انجیل صلح را به پا کنید و بیرون روید، ابلیس نمی‌تواند میان شما و عیسا اختلاف بیندازد. اگر در عیسا مسیح ملبس شده باشید او نمی‌تواند شما دو نفر را از هم تشخیص دهد. اما اگر سنگ کوچکی به سوی شما پرت کند و شما چنین واکنش دهید: وای امروز از قرار معلوم یکی از آن روزهای بد است! آن وقت ابلیس می‌گوید: پس مشخص شد که آن سنگ فقط برای شما بود. بدین ترتیب چرا باید بترسم؟

وقتی اعترافات خود را همسو با کلام خدا حفظ می‌کنید و به گفتگو در این باره ادامه می‌دهید، کلام خدا که بر زبان شما جاریست بر ابلیس پیروز خواهد شد. از سوی دیگر زمانی که بر شرایط موجود خود متمرکز می‌گردید، این شرایط به زودی در شما ایجاد اندکی ناراحتی می‌کنند و ابلیس متوجه می‌شود که به آنچه می‌گویید واقعاً ایمان ندارید.

شخصی که با ایمان می‌داند که ابلیس مغلوب گشته است، غلبه خود را در شرایط عملی زندگی نیز تجربه خواهد کرد.

عیسا پیروزی را به دست آورد!

پس چگونه ابلیس مغلوب شده بود؟ او که اطمینان حاصل کرده بود عیسا را شکست داده است.

متوجه شدیم که عیسا گناهان و ضعف‌های ما را بر خود گرفت و به خاطر ما گناه شد. سپس او مرد و به جهنم رفت. مطابق کتاب مقدس درست زمانی که ابلیس تصور کرد در نهایت او را شکست داده است، خدا عیسا را روز سوم از مرگ برخیزاند. مرگ دیگر نمی‌توانست او را در چنگال خود نگاهدارد چون خدا وی را از درد و عذاب آن رها کرده بود. (اعمال ۲: ۲۴)

او که خود حیات بود مرتکب هیچ خطایی نشد و بنابراین خدا حق داشت او را از مرگ برخیزاند. او برای گناه بشریت قربانی ارزشمندی بود. خدا با قدرت روح‌القدس عیسا را مانند صاعقه از مرگ برخیزانید. کتاب مقدس به ما می‌گوید که پس از آن چه اتفاقی افتاد: و (عیسا) ریاست‌ها و قدرت‌ها را خلع سلاح کرده، در نظر همگان رسوا ساخت و به وسیله صلیب بر آنها پیروز شد. (کولسیان ۲: ۱۵)

عیسا وارد قلمرو ابلیس گشته و سلاح‌ها را از دستش بیرون کشید. او را از مقامش به زیر انداخت و در حضور ریاست‌ها و قدرت‌ها رسوا کرد و عیان ساخت که ابلیس به طور کامل خلع سلاح گشته است و مخرب‌ترین سلاح ابلیس یعنی نیش موت را شکست.

بدین ترتیب تمام کسانی که ایمان خود را بر بنیاد عیسا قرار دهند، دیگر تحت قدرت ابلیس نیستند.

اعلام می‌شود «هیچ جرمی ندارید!»

کولسیان ۲: ۱۴ می‌گوید که عیسا لیست گناهیانی را که ما را متهم می‌نمود، گرفته و بر صلیب می‌خکوب کرد و از میان برداشت. ابلیس از

شریعت به ضد انسان استفاده می‌کرد و به او می‌گفت: «تو مرتکب خلاف شده‌ای»، و تنها جوابی که انسان می‌توانست بدهد این بود که: «بله، خودم می‌دانم...» و این موضوع انسان را در اسارت نگه داشته بود تا وقتی عیسا لیست اتهاماتی را که در مقابل او قرار داشت، پاره کرد. عیسا اسارت را نیز به اسیری برد. او بر ریاست‌ها و قدرت‌ها غلبه کرد و در دنیای روح، آنها را در نظر همگان رسوا ساخت و عیان کرد که خداوند همه است.

عیسا پس از رستاخیز به آسمان رفت. در راه مریم را ملاقات کرد و به او گفت: «مرا لمس مکن!» او در مقام بزرگترین کاهن اعظم آماده شد تا خون خود را در قدس الاقدس آسمان تقدیم کند. و در آنجا پدر اعلام نمود که قربانی او برای تمام جهان کافیست.

اکنون نسل بشر می‌توانست توسط قربانی عیسا بر صلیب عادل شمرده شود. به هر مرد و زنی این فرصت داده شده تا از بندگی و اسارت آزاد گردند، چون تحت سلطه قدرت ملکوت تاریکی قرار دارند. اکنون آنها می‌توانند به ملکوت نور منتقل گردند، در حال حاضر انسان قادر است آزادی و اقتداری را که از آغاز برایش در نظر گرفته شده بود تجربه نماید. در واقع موقعیت ما حتی بهتر از زمانیست که آدم و حوا با خدا در باغ عدن قدم برمی‌داشتند.

ما با او حکومت می‌کنیم

کتاب مقدس می‌گوید که پدر ما از برخیزانده و با عیسا مسیح در آسمان نشانده است. امروز ما در آنجا نشانده شده‌ایم و حکمرانی نموده،

سلطنت کرده و با او کار می‌نماییم (افسیسیان ۲: ۶). عیسا در همین زمان خدمت خود را به عنوان کاهن اعظم ما انجام می‌دهد و به طور روزانه برای ما دعا و شفاعت می‌کند.

وقتی مدعی جلو آمده و می‌گوید: این شخص دو هفته کتاب مقدس نخوانده و چنین و چنان کرده است، عیسا جواب می‌دهد: من برای او مرده‌ام و حامی او هستم. خون من برای پوشش خطای او کافیست.

ابلیس روز بعد با اتهاماتش می‌آید و دوباره عیسا جواب می‌دهد: من برای او مرده‌ام و برایش دعا می‌کنم. پدر من شنیده و دعاهای مرا جواب می‌دهد. پس تو هیچ حقی نداری که به او آسیب برسانی، او برادر من و فرزند خداست. من مراقب او هستم و روح القدس هم در او زندگی می‌کند!

من ایمان دارم که عیسا در دست راست پدر نشسته و توسط روح‌القدس با دعاهای کهانتی خود در ما و از طریق ما دعا می‌نماید، زمانی که به زبان‌های دیگر سخن می‌گوییم. وقتی ما در روح دعا و صحبت می‌کنیم، در واقع عیسا از طریق ما دعا می‌نماید و دعاهای او همیشه جواب داده می‌شود. اگر مطابق اراده خدا دعا کنید شما نیز چنین نکته‌ای را تجربه خواهید کرد.

ابلیس بهت زده شد

وقتی عیسا مرد، ابلیس به نشانه‌های آهی کشید، اما وقتی دید او از مرگ برخاسته است ناگاه به وحشت افتاد. تکان به قدری سخت بود که در واقع او را فلج نمود؛ وقتی عبرانیان ۲: ۱۴ می‌گوید: عیسا او را که

صاحب قدرت مرگ بود نابود کرد، معنای دقیقش این است که عیسا او را فلج کرد.

اکنون عیسا بر دست راست پدر نشسته و روح القدس را بر کلیسا جاری می‌سازد. صدو بیست نفری که خود را در بالاخانه حبس کرده بودند، از روح پرگشته و با قدرت خدا به طور کامل عوض شدند. آنها به زبان های دیگر شروع به صحبت کردند و از خوشی، آرامش و حیات لبریز گشتند. هیچ دیوی قادر نبود در آن زمان مانع ایشان شود تا بیرون نروند و راجع به عیسا صحبت نکنند.

این جریان واقعاً ابلیس را ترساند. نه تنها در تلاش برای کشتن عیسا به این دلیل که او از مرگ برخاسته و مرگ دیگر قادر نبود او را در خود نگاه دارد، ناکام مانده بود، بلکه اکنون باید با صدوبیست نفر دیگر سروکار می‌داشت که از همان روحی که عیسا پر شده بود، آنها نیز پرگشته بودند. آن تعداد به زودی به سه هزار، پنج‌هزار، ده‌هزار، پانزده‌هزار، صد هزار، یک میلیون، دو میلیون، سه میلیون و غیره افزایش یافت.

با وجود یک نفر عیسا به اندازه کافی مشکل وجود داشت. و حال میلیونها نفر مانند او وجود داشت که همگی به طور دقیق همان کاری را می‌کردند که او انجام می‌داد. ابلیس در این رابطه چه کاری می‌خواست انجام دهد؟

آزادی برای خدمت

هویت جدید شما این است. وقتی تولد دوباره یافتید، عیسا آمد تا در شما زندگی کند. شما نیز کارهایی را که او کرد می‌توانید انجام دهید،

چون او در شماسست. وقتی تولد دوباره می‌یابید، دارای قدرت می‌شوید و وقتی در روح‌القدس تعمید یافتید، آن وقت عطایای روح در زندگی شما شروع به کار می‌کند.

روح خداوند بر شماست. او شما را مسح کرده تا انجیل را موعظه نمایید. او شما را مسح کرده تا اسرا را آزاد گردانید. شما می‌توانید این کارها را انجام دهید چون او گفته است: «من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم.» (متی ۲۸: ۲۰)

فریب نخورید

این نکته به قدری ابلیس را به وحشت می‌اندازد که خط مشی خود را تغییر می‌دهد و سعی می‌کند شما را تبدیل به شخصی خجول و ترسو نماید. او به شما می‌گوید که شخص بی‌ارزشی هستید و زندگی شما بیهوده است و هر چه پا به سن می‌گذارید وضعیت بدتر می‌شود! او از شما می‌خواهد به زندگی گذشته خود و چیزهای کهنه‌ای که کتاب مقدس می‌گوید در گذشته است، وابسته باشید. اگر ابلیس بتواند شما را به ضعف‌ها و نقص‌هایتان وابسته نماید، پس چیزی در روح شماست که نمی‌تواند رها شود.

می‌توانیم همان کارها را انجام دهیم

اما در عیسا مسیح این مطلب حقیقت است که کهنه قابل تبدیل بوده و تبدیل نیز خواهد یافت. خدا از شما مخلوق تازه‌ای ساخته است. از نگاه او تمام مخلوقات تازه برابرنند و همه محبوبند و عیسا درون هر یک از ایشان زندگی می‌کند.

قدرت خدا می‌تواند از طریق ما جاری شود و این توانایی را به ما بدهد تا هر آنچه را که عیسا انجام داد، ما نیز همان را انجام دهیم. در این که به عنوان مخلوقات تازه نحوه ی زندگی و رفتار ما چگونه باید باشد، او نمونه ی ماست. اگر عیسا کاری را انجام داد، پس ما نیز می‌توانیم آن را انجام دهیم، چون روح او را داریم.

شاگردان اولیه از روح‌القدس پر شده بودند به طوری که در بخش وسیعی مردم از آنچه برایشان اتفاق افتاده بود و هر شهروندی شفا یافته بود، متعجب شدند. ما باید بتوانیم در همان راستا زندگی و تلاش کنیم. هیچ تفاوتی میان ما وجود ندارد. ما همان روح القدس، همان خدا، همان کتاب مقدس و همان عیسا را داریم. او راجع به خود گفته است که دیروز و امروز و تا ابد همان است. (عبرانیان ۱۳: ۸)

او وعده داده است که نه تنها شاهد شفاها خواهیم بود، بلکه شاهد معجزات بزرگ تر نیز خواهیم بود. وقتی دست‌ها یا پارچه‌ای را که برایش دعا شده است روی بیماری قرار می‌دهید، او شفا می‌یابد. خدا خواستار این طریق است. او به هیچ وجه مخالف آزادی مردم نیست.

خدا می‌خواهد قومش در آزادی زندگی کنند. نمی‌خواهد ما را منفعل و پریشان ببیند که در گوشه ی کلیسا نشسته‌ایم، بلکه می‌خواهد ما در آزادی زندگی کنیم. با شادی وارد دروازه‌های او گردیم و در حضور او خوشحال باشیم و در آزادی رفتار نماییم.

ابلیس مذهب مرده را جانشین ضعیفی برای زندگی روحانی حقیقی نموده است. در هر صورت اگر تولد دوباره یافته‌اید، این حیات در روح

شما قرار دارد و خدا از شما دعوت نموده است که او را در آزادی خدمت کنید.

خدا می‌تواند از طریق شما هر کاری را که توسط عیسا مسیح انجام می‌داد به عمل آورد، چرا که عیسا پسر انسان بود. پسر انسان نمونه‌ای است از آنچه خدا می‌خواهد بر روی زمین انجام شود. او نمونه‌ای است از آنچه خدا می‌خواهد از طریق شما انجام دهد.

عیسا کارهای ابلیس را باطل کرد

عیسا به زمین آمد تا کارهای ابلیس را باطل کند. یک هدف منظور نظر او بود: از کار انداختن شیطان، سرکوب ملکوت او و نابودی کارهای او. وقتی عیسا به زمین آمد به ملکوت تاریکی حمله کرد. با آمدن او به زمین، آسمان به زمین حمله‌ور شد تا برایش رهایی را به ارمغان آورد.

عیسا در لوقا ۱۱: ۲۰-۲۲ تعلیم می‌دهد که او شخصی قوی‌تر است که به شخصی قوی یعنی ابلیس حمله کرد و بر او غلبه یافت، سلاح‌های او را گرفت و غنایم جنگی را توزیع کرد.

وقتی انسان گناه کرد و برده ابلیس شد، او آنچه را که دزدیده بود به مالکیت خود درآورد. ابلیس فراوانی نعمت، آرامش، سلامتی، سعادت و برکات ما را در هر قسمت زندگی ربوده بود.

انسان بعد از سقوط از میزان قابل توجهی گنج ارزشمند به علت گناه و طغیان خود در مقابل خدا محروم گردیده است. انسان با ارتکاب گناه این حق را به ابلیس داد تا زندگی او را غارت نماید. و پس از آن شیطان کارهای خود را از طریق بشریت به انجام رسانید.

عیسا در یوحنا ۱۰: ۱۰ می‌گوید که دزد یعنی همان شیطان، فقط می‌آید تا بدزدد، بکشد و هلاکت سازد. عیسا دقیقاً برای همین به زمین آمد تا کارهای شیطان را به پایان برساند.

عیسا چگونه می‌توانست این کار را انجام دهد؟ توسط روح خدا که بر او بود و او را قادر می‌ساخت فقیران را بشارت دهد، شکسته دلان را شفا بخشد، رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کند و ستمدیدگان را رهایی بخشد و سال لطف خداوند را اعلام نماید. (لوقا ۴: ۱۸، ۱۹)

هر وقت عیسا کتاب مقدس را تعلیم می‌داد و انجیل را موعظه می‌کرد، در واقع کارهای ابلیس را باطل می‌کرد، اما چرا؟ چون کلام خدا شمشیر روح است و زمانی که عیسا می‌گفت: «مکتوب است» شیطان چاره‌ای جز فرار نداشت.

هر وقت عیسا گناهان شخصی را می‌بخشید، در واقع کارهای ابلیس را باطل می‌کرد، اما چرا؟ چون گناه از دشمن نشأت گرفته است و بخشش باعث می‌شود گناه محو گشته و فراموش شود. بخشش شخصی را که سقوط کرده دوباره احیا می‌کند تا از تله‌ی دشمن بگریزد.

هر وقت عیسا بیماری را شفا می‌داد، خواه از طریق گفتار یا قرار دادن دست‌ها یا با اعلام نمودن به آنها که لبه لباس او را لمس کنند در واقع کارهای ابلیس را باطل می‌کرد، اما چرا؟ چون ابلیس منبع بیماریست. خدا هرگز بیماری را برای برکت، تعلیم یا تقدیس نمی‌فرستد. عیسا گفت بیماری از جانب ابلیس است و قید و رنجی ظالمانه است و آمد تا همه کسانی را که تحت ظلم ابلیس بودند، شفا بخشد. (اعمال ۱۰: ۳۸)

عیسا با اخراج دیوها، یعنی کاری که به طور طبیعی انجام می‌داد، کارهای ابلیس را باطل می‌کرد. در نتیجه قلمرو شیطان محدود گشته و در عوض ملکوت دیگری گسترش می‌یافت، یعنی ملکوت خدا.

ملکوت خدا

رومیان ۱۴: ۱۷ به ما می‌گویند که ملکوت خدا شامل عدالت، سلامتی و خوشی روح‌القدس است. و این همان چیز است که عیسا با خود به همراه آورد. او عدالت، سلامتی و خوشی را هر جا که می‌رفت، منتشر می‌کرد. ملکوت او از این قبیل موارد پر است. عیسا خداوند و پادشاه ملکوت خود است و در هر جا که او خداوند است این ویژگی‌ها را می‌توان یافت. بدین ترتیب هر جا که او خداوند نیست، کارهای ابلیس یافت می‌شود.

محکومیت نقطه مقابل عدالت است. جایی که مردم تقریباً در کمال محکومیت رفتار می‌کنند، بدون توجه به روحانی بودن سخن آنها، عیسا خداوند نیست.

نقطه مقابل سلامتی؛ مشاجره، دعوا، حسادت و خیلی بیش از این‌هاست. در جایی که چنین مواردی یافت می‌شود، عیسا خداوند نیست، بلکه شیطان خداوند است. اسم کلیسا یا گروه مهم نیست، جایی که چنین مواردی دیده شود عیسا خداوند نیست.

نقطه ی مقابل خوشی، خستگی - اندوه - افسردگی و تشویش است. این موارد از سوی دشمن ما می‌آیند نه از سوی خدا. آنها اعمال ابلیس است نه خدا و عیسا آمد تا آنها را باطل سازد.

ابلیس مغلوب شده است

عیسا بر روی صلیب ضربه‌ای کاری بر شیطان وارد نمود و او یکبار و برای همیشه مغلوب گشت. ما باید با این دید او را بنگریم که عیسا بر او پیروز گشته است. بدین ترتیب چرا ابلیس باید بر شما غلبه نماید؟ چرا که شما در مسیح عیسا هستید و با او به دست راست پدر نشانده شده‌اید. همان روحی را دارید که عیسا داشت وقتی بر روی زمین بود که در شما و از طریق شما کار می‌کند. ۱ یوحنا ۴: ۱۷ بیان می‌کند که همان وضعیتی را که او در دنیا داشت ما نیز داریم.

شما از پیش در این نبرد پیروز گشته‌اید، چون عیسا پیروزی را برای شما کسب کرده است. باید با این دید به دشمنان نگاه کنید که قبلاً مغلوب، محروم، عریان و خلع قدرت گشته است. او دروغگو و مغرور است. او قادر نیست تمام تهدیدهایش را نسبت به شما جامع عمل ببوشاند البته تا زمانی که از پذیرش دروغ‌هایش، که به او اجازه عمل می‌دهد، سر باز زنید.

عیسا به طور صریح با این هدف به جهان آمد که کارهای ابلیس را باطل کند و با هیچ شکستی مواجه نشد.

عیسا هرگز مغلوب نمی‌گردد! او پیروزی را به دست آورده است.

پیروزی از آن ماست!

نبرد سرنوشت ساز قبلاً صورت گرفته و اکنون من و شما وارد عمل می‌شویم تا فعالیت‌هایی را که در پشت خط مقدم دشمن مغلوب صورت می‌گیرد، پاکسازی کنیم. هر چند او قبلاً مغلوب شده، اما ما باید این

حقیقت را به دنیای روحانی اعلام نماییم. ما باید با انجام کارهای عیسا و آزادی کسانی که عیسا از پیش توسط مرگ و رستاخیز خود آزاد نموده است، شکست شیطان را آشکار کنیم. آنها نیاز دارند که بشنوند آزاد گردیده‌اند و همچنین نیاز دارند که آزادی را که از پیش به آنها تعلق داشته، دریافت نمایند، آنها باید متوجه آنچه که از آنها دزدیده شده بگردند. آنها باید به جایگاه خود که در خون مسیح عیسا به آنها بخشیده شده، پی ببرند.

این قدرت به شما داده شده است که از پیروزی عیسا مسیح استفاده نمایید. اجازه یافته‌اید تا از مزایای پیروزی او متلذذ گردید. حق دارید تا در پیروزی او شریک شوید، حقی که متعلق به شماست، چون او نام خود را به شما بخشیده است.

رومیان ۱۰: ۱۲ می‌گویند: «همان خداوند، خداوند همه است و همه کسانی را که او را می‌خوانند، به فراوانی برکت می‌دهد». عیسا با قدرت نام خود، به طور قانونی حیات و برکاتی را که حق شماست اکنون به شما باز گردانده است.

آن نام به شما قدرت بخشیده است تا کارهای ابلیس را باطل نمایید. در نام عیسا باید انجیل را موعظه کنید، بیماران را شفا دهید، دیوها را اخراج نمایید و اسرا را آزاد سازید.

شما می‌توانند درست همان کاری را که عیسا انجام داد، به عمل آورید چون دشمن شما قبلاً مغلوب گردیده است. وقتی متوجه این واقعیت شوید، دیگر نمی‌توانید همان شخص قبلی باقی بمانید. شما متوجه عطایی که خدا به شما بخشیده و همچنین مأموریتی که برای شما

در نظر دارد خواهید شد. هر جا که هستید، هر حرفه‌ای که دارید و دارای هر سنی که هستید، وظیفه‌ی بزرگی به شما محول کرده است. شما دعوت شده‌اید تا با به‌کارگیری نام عیسا کارهای ابلیس را باطل سازید، شکست شیطان را نمایان سازید و جلال ملکوت خدا را ببینید که توسط مردان و زنانی که آزاد گردیده‌اند در حال درخشش است. شما برای چنین کاری دعوت شده‌اید و انتخاب گشته‌اید و او هر چه را که برای انجام آن نیازمندید به شما می‌دهد.

وقتی با عیسا باشید، هرگز مغلوب نخواهید شد. اگر این حقیقت را درک نمایید، دشمن متوجه خواهد شد که یک حریف حقیقی یافته است. او می‌داند که شما از شکست او آگاهی دارید و همچنین می‌داند که شما نسبت به رسالت خود که نابودی کارهای اوست آگاهی دارید.

او نمی‌تواند مانع شما گردد، چون متوجه شده‌اید که خدا برای انجام چه کاری شما را دعوت کرده است. شما می‌دانید که او مغلوب شده است و نتیجه کار یعنی پیروزی اجتناب‌ناپذیر است.

کارهای ابلیس توسط زندگی شما باطل خواهد شد. در نتیجه اشخاص زیادی از عدالت، سلامتی و خوشی برخوردار خواهند شد. پس بلند شده و دست به کار شوید!

بروید و کارهای دشمن را باطل کنید!